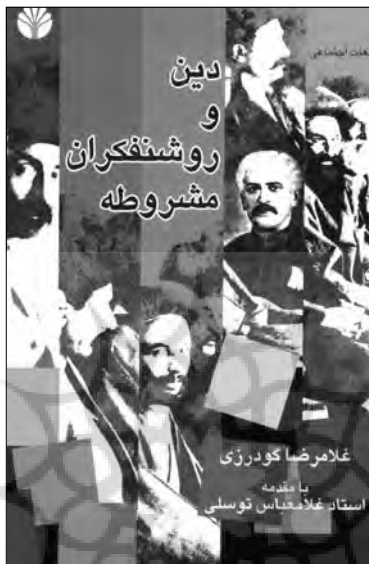


روشنفکران مشروطه و نگرش به دین

نقی دادرسی



- دین و روشنفکران مشروطه

- غلامرضا گودرزی

- اختران

- ۱۳۸۳، ۳۰۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۲۴۰۰ تومان

حتی اعتقادات دینی است. در قسمت پیشینه مطالعاتی نویسنده به بررسی چند کتاب مرتبط با موضوع تحقیق خود پرداخته است از جمله کتابهای سیر تفکر معاصر (زمینه‌های تجدد و دین زدایی در ایران) نوشته محمد مددیپور، سرآغاز نواندیشی معاصر دینی و غیر دینی نوشته مقصود فراسخواه، و رساله‌ای به نام اصلاح گری دینی در بستر ساختار اجتماعی دوره قاجاریه نوشته خاتم شهناز قره تپه.

اما حدود مطالعاتی این تحقیق از یکی از محورهای فکری روشنفکران یعنی دل مشغولی درباره سودمندیها و زیانباریهای دین و امور مذهبی متأثر است. زیرا روشنفکران بر حسب این محور فکری به سه گونه مشخص تقسیم می‌شوند: سنخ اول که سرآمد آنها آخوندزاده است، رویکردی دین ستیزانه یا دین‌گریزانه دارند. سنخ دوم که در ذیل افکار و آرای میرزا ملکم‌خان قرار می‌گیرند، رویکردی غیر دین باورانه ولی مسالمت جویانه نسبت به دین اتخاذ کرده‌اند و سنخ سوم که پیشگام آنان میرزا عبدالرحیم طالبوف است رویکردی جدا انگارانه به انگاره‌های دینی و قوانین عرفی و دنیوی برگزیده‌اند.

در فصل دوم با عنوان مرور مطالعاتی، کتابهای متعددی که تا به حال پیرامون موضوع مورد تحقیق یعنی (دین و روشنفکری) نوشته شده بررسی شده است. کتابهایی مثل اصلاح دین (جلد ششم از کتاب تاریخ تمدن نوشته ویل و آریل دورانت)، جامعه‌شناسی نوشته آنتونی گیدنز، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری نوشته ماکس وبر، روشنفکری و دینداری نوشته عبدالکریم سروش و ...

فصل سوم با عنوان ارائه و تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل پنج گفتار است.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در بحث انقلاب مشروطه مطرح است مسئله نحوه تعامل روشنفکران دوره مشروطه با دین و نهاد روحانیت است. از آنجا که روشنفکران و روحانیان از مهم‌ترین طبقات مؤثر در انقلاب مشروطه بودند لذا مطالعه در مورد نحوه تعامل این دو طبقه یا همدیگر که متأثر از نوع نگاه روحانیت به مسئله غرب و روشنفکران و نوع نگاه روشنفکران به دین و نهاد روحانیت است می‌تواند ما را درباره نوع و ماهیت وقایع دوره مشروطه به یافته‌های خوبی رهنمون سازد.

دین و روشنفکران مشروطه نوشته غلامرضا گودرزی که با یک مقدمه از طرف دکتر غلامعباس توسلی همراه است، یکی از کتابهایی است که در مورد نحوه تعامل روشنفکران با دین نوشته شده است. در مقدمه این کتاب، دکتر توسلی، روشنفکران مورد بحث در این کتاب را روشنفکران لائیک می‌داند که در عین حال دین برای آنها کارکرد خاص خود را داشته است. این روشنفکران، که اهداف دنیوی (سکولار) را دنبال می‌کردند، در عین حال متوجه سنتها و باورهای دینی بوده‌اند و آنها را به نقد می‌کشیدند و در واقع فقر و جهل و بی‌خبری که متأثر از باورها و اندیشه‌های مردم بود، روشنفکران را با مقوله‌های دینی درگیر می‌کرد. اما در عین حال این روشنفکران، ترویج فرهنگ تسامح دینی و نقادی و اقتناع متقابل با دینداران را وظیفه خود می‌دانستند.

این کتاب مشتمل بر چهار فصل است که در فصل اول آن با عنوان مقدمات و کلیات نویسنده به طرح تحقیق پرداخته است. مسئله اصلی این تحقیق جایگاه دین در اندیشه روشنفکران عصر مشروطیت، چگونگی نگرش آنها نسبت به دین و مواضع متفاوت و متنوع آنها در قبال سنت‌ها، عملکردها و

در گفتار اول که مقدمه‌ای برای ورود به موضوع تحقیق به شمار می‌رود، قشر بندی اجتماعی ایران در آستانه مشروطیت، اوضاع سیاسی - اجتماعی و فرهنگی کشور در آن دوره، چگونگی پیدایش مشروطیت و عوامل داخلی و خارجی پیدایش آن در ایران بررسی شده است.

در گفتار دوم سیر تفکر و تنوع اندیشه در دوره مشروطه بررسی شده است و بعد از تأملی بر سه طیف فکری و فرهنگی آن عصر (طیف اول: آزاداندیشی و روشنفکری و آزادی خواهی و اقتباس فکری از غرب، طیف دوم، گروه نوآندیشان و نو اندیشی دینی و طیف سوم اصول‌گرایی و مشروعه خواهی است) بر طیف نخست تمرکز شده است.

در گفتار سوم، دین و پیشگامان جریان روشنفکری ایران بررسی و ابتدا سعی شده تعریفی از روشنفکر ارائه شود. و در مجموع ویژگی روشنفکر را به این نحو خلاصه کرده است: «نقادی از وضع موجود به کمک خرد انتقادی، کوشندگی برای برقراری وضع مطلوب و پایبندی به ارزشهای نوین، دلبستگی مستمر به کار فکری و نظری، روشنفکری، خود آگاهی و عدم وابستگی به قدرت سیاسی و مناسبات طبقاتی خاص» (صفحه ۱۰۶). سپس به بررسی آراء جامعه‌شناسان غربی درباره دین و اهمیت و کارکرد جامعه‌شناختی آن و در نهایت به بررسی افکار و اندیشه‌های سه روشنفکر ایران در دوره مشروطه در مورد دین پرداخته می‌شود: در بررسی آراء آخوندزاده معلوم می‌شود که وی بیشتر تحت تأثیر

آموزه‌های روشنفکران روسی و اروپای غربی بوده است. او در واقع به پروتستانتیسم اسلامی معتقد بود. میرزا ملکم خان مسالمت جویانه با مسائل دینی برخورد می‌کرد و آموزه‌های جدید را در لفافه‌های دینی می‌پیچید و پروتستانتیسم اسلامی وی متأثر از پروتستانتیسم مسیحی بود. اما عبدالرحیم طالبوف تبریزی با یک دیدگاه علمی و عقل‌گرایانه به سراغ دین می‌رفت، او در اعتقادات دینی پایبندتر از آخوندزاده و ملکم خان بود. نویسنده با یک تحلیل جامعه‌شناختی کارکردگرایانه علت اصلی مقاومت روشنفکران در برابر دین را در کژکارکردهای دین می‌داند.

در گفتار چهارم برخی موانع و مشکلات کارفکری و فرهنگی در ایران تشریح شده است. اندیشه‌های منسوخ و نادرست، انقطاع تئوریک اندیشه، استبدادزدگی فرهنگی و... از عواملی بودند که راه را بر اصلاح ساختارها و تحول اندیشه‌ها بسته بودند. در گفتار آخر این فصل پاره‌ای از علل دین‌گریزی روشنفکران به اختصار توضیح داده شده است، از جمله تأثیر آموزه‌های روشنفکران غربی بر روشنفکران ایرانی، کوتاهی علما در جذب کردن روشنفکران، استبداد سلطنتی که توجیه دینی می‌شد و...

اما سؤالی اصلی این تحقیق و پاسخ نویسنده به آنها را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. روشنفکران عصر مشروطیت چگونه دین را تعریف می‌کردند؟ روشنفکران این دوره در مورد تعریف دین تقریباً همسان می‌اندیشیدند، آخوندزاده، ملکم و طالبوف دین را متضمن سه امر می‌دانستند: اعتقادات (ایمان

آخوندزاده، ملکم و طالبوف، دین را متضمن سه عنصر اعتقاد است. احکام شرعی و اخلاق حسنه می‌دانستند و در این میان بر اخلاق تأکید می‌کردند

اما عبدالرحیم طالبوف تبریزی با یک دیدگاه علمی و عقل‌گرایانه به سراغ دین می‌رفت ، او در اعتقادات دینی پایبندتر از آخوندزاده و ملکم خان بود

بنا به تعریف آخوندزاده ، «پروتستانتیسم اسلامی عبارت از مذهبی است که حقوق الله و تکالیف عبادالله جمیعاً در آن ساقط بوده ،

فقط حقوق الناس باقی بماند

و باور داشتن به خدا، معاد و نبوت)، احکام شرعیه (دستوراتی که مؤمنان به دین، می‌باید انجام دهند و به عنوان تکالیف ادا کنند) اخلاق حسنه، و در این میان اخلاق را اصل می‌دانستند و بر آن تأکید می‌کردند.

۲. در نظر روشنفکران دوره مشروطیت کارکرد اجتماعی دین چگونه بود؟ (مثبت، منفی یا توأمان) عمده روشنفکران این دوره (جز آخوندزاده) برای دین کارکردهای اجتماعی مثبت قائل بودند. ملکم خان برای بسیج کردن توده مسلمانان از دین کمک می‌گرفت. طالبوف نیز اسلام را دین پاک می‌خواند و برای آن کارکرد اجتماعی مثبت قایل بود. اما در عین حال تمام روشنفکران این دوره به کارکردهای منفی دین (مثل به آستی کشاندن ستمدیدگان با حاکمان مستبد و جلوگیری از اعتراض به بی عدالتی و تقدس بخشیدن به ارزشهای اجتماعی و جلوگیری از کسب علوم و فنون) واقف بودند. و در واقع کارکردهای مثبت و منفی دین را توأمان در نظر می‌گرفتند. ولی آخوندزاده و طرفدارانش به کلی دین را منفی می‌دانستند و با تأثیر گرفتن از آثار دین ستیزانه برخی متفکران غربی آن عصر، دوران دین را خاتمه یافته می‌انگاشتند.

۳. روشنفکران دوره مشروطه چه تعریفی از پروتستانتیسم اسلامی و ویژگیهای آن داشتند و این تعریف چه شباهتی با پروتستانتیسم مسیحی دنیای غرب داشت؟ بنا به تعریف آخوندزاده ، «پروتستانتیسم اسلامی عبارت از مذهبی است که حقوق الله و تکالیف عبادالله جمیعاً در آن ساقط بوده، فقط حقوق الناس باقی بماند.» ملکم خان و

طالبوف در بحث مربوط به خرافه زدایی و پیرایش دین از موهومات به پروتستانتیسم اسلامی نظر داشتند. ویژگیهای اصلی این پروتستانتیسم عبارت بود از: خرافه زدایی و پیرایش موهومات از ساحت دین و شریعت آسمانی، قرائت‌های علمی و نوین و این جهانی از دین، تقدس زدایی از امور اجتماعی - مذهبی و تلاش در زمینه دنیوی کردن امور دینی، جلوگیری از دخالت متولیان دین در مسائل اجتماعی و سیاسی، اصالت دادن به انسان (آدمیت) و حقوق طبیعی او .

گرچه پروتستانتیسم اسلامی دوره مشروطه برگرفته از دنیای پیشرفته اروپاییان بود ولی به هیچ وجه شبیه پروتستانتیسم مسیحی نبود، چون دانشمندان غربی به همراه پیرایش دین از خرافه‌ها به ارائه تعریف جدیدی از دین و انسان پرداختند و در واقع پروسه پروتستانتیسم مسیحی در اروپا یک روند طبیعی را طی کرده بود، ولی روشنفکران اسلامی به تعریف واقعی پروتستانتیسم پی نبرده بودند و بیشتر به تجدد فکر می‌کردند تا به تمدن، و از طرف دیگر آئین اسلام با آئین مسیحیت تفاوت‌های فاحشی داشتند.

۴. آیا روشنفکران عصر مشروطه، بین نهادهای دینی و بنیادهای دینی تفاوت و تمایزی قائل می‌شدند؟ آخوندزاده و ملکم خان تمایزی بین نهادهای دینی که ریشه زمینی دارند و بنیادهای دینی که معطوف به اصل و گوهر ادیان آسمانی‌اند، قائل نبودند. اما طالبوف بین این دو تفکیک قائل بود. در کل روشنفکران این دوره با وجود شباهتهای ظاهری، گرایشهای فکری متنوعی داشتند و تعاریف آنها از مفاهیمی چون پروتستانتیسم اسلامی متفاوت بود.